

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنندج

و پیوندهای محله‌ای شهروندان

صباح‌الدین مفاخری*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین کیفیت کالبدی و اجتماعی محله‌ها با پیوندهای محله‌ای شهروندان سنندجی می‌پردازد. بدین منظور، ابتدا ابعاد فضاهای شهری مشخص شدند؛ سپس با تعریف پیوندهای همسایگی، رابطه بین فضاهای شهری و پیوندهای محله‌ای تحت مطالعه قرار گرفت که مشخص گردید آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل است، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه‌ها، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی براساس تشابه افراد مبتنی بر یک یا چند معیار می‌توان شهر را به محله‌هایی تقسیم نمود و یک محدوده مشخص برای هر یک از محله‌ها در نظر گرفت و برای ساکنان هر محله هویتی تعریف کرد بر این اساس داده‌های این مقاله توسط پرسشنامه، از ۳۶۰ پاسخگو ساکن شش محله شهر سنندج، در قالب سه خوشه‌محله گردآوری شده و برای تحلیل داده‌ها، از ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین ابعاد کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری با پیوندهای محله‌ای شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛ دلالت‌های کاربردی این تحقیق توجه بیشتر مدیران شهری و انتظامی به سازمان‌یافتگی کالبدی و اجتماعی در محله است. بازسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده، نماهای ساختمان و معابر عمومی؛ تقویت خدمات عمومی و بهبود فضاهای سبز، نشیمن‌گاه‌ها و احداث مراکز تفریحی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت پیوندهای محله‌ای داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: پیوندهای محله‌ای، بافت محله، احساس امنیت، مسائل اجتماعی.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی mafakheri.sb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۵-۱۶۲

مقدمه

فضای کالبدی محله، تأثیر مهمی در زندگی مردم و نیز در مواجهه آنها با روابط و فرایندهای اجتماعی دارد (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۱). شاخص‌ترین ایده واحد همسایگی کلرینس پری^۱ بود که در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۲۰ ایجاد شد. آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل بود، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی بود (کارمونا، ۲۰۰۳: ۱۱۴). در یک تقسیم‌بندی براساس تشابه افراد مبتنی بر یک یا چند معیار، می‌توان شهر را به محله‌هایی تقسیم کرد و یک محدوده مشخص برای هر یک از محله‌ها در نظر گرفت و برای ساکنان هر محله هویتی تعریف کرد. در شکل‌گیری این فرآیند سه عنصر اصلی متن، محتوا و احساس تعلق و دلبستگی نقش دارند. زمانی که از هویت شهری صحبت می‌شود، هر یک از عناصر شهری و کلیت شهر واجد معنای خاصی می‌شود. معانی نیز احساس و هیجان‌های انسان را تحریک می‌کنند؛ از این رو، ممکن است در انسان احساس رضایت‌مندی یا نارضایتی حاصل شود. رضایت‌مندی موجب دلبستگی و وابستگی انسان به محیط می‌شود. بنابراین، تعلق خاطر در ساکنان را تقویت می‌کند (غراب، ۱۳۸۴). بررسی روند تاریخی توسعه کالبدی و فضایی شهر سنندج حاکی از آن است که همواره کمربندی دور شهر در حال رشد است که این روند رشد از دهه هشتاد به بعد سرعت زیادی داشته است (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴). جمعیت شهر سنندج، طی ۳۵ سال از ۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۰). پیامدهای این رشد جمعیتی، هم به‌لحاظ کالبدی و هم به‌لحاظ اجتماعی، قابل مطالعه است. به‌لحاظ کیفیت و مطلوب‌بودن محله‌های شهر سنندج در یک طیف - در راستای شمال جنوب یا بالا و پایین - تفکیک‌پذیر است. مشاهدات میدانی محقق نشان می‌دهد که فرایند نوسازی در قسمت مرکزی که بافت تاریخی دارد، صورت نمی‌گیرد و درواقع ساکنان این محله‌ها گاه به مناطق برخوردار شهری یا کلاً به خارج از شهر سنندج مهاجرت کرده‌اند. در قسمت‌های جدید و نوساز نیز دو خوشه قابل مشاهده است: مناطقی که به‌شکل هدفمند، با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری همراه با انتقال و احداث مراکز آموزشی، رفاهی، فرهنگی، تفریحی و زیرساخت‌های مناسب دیگر از جمله خیابان‌ها و کوچه و معابر مناسب، در بخشی از حاشیه‌های بافت مرکزی شهر در حال رشد و توسعه هستند و مناطقی که در جریان مهاجرت‌های گسترده روستاییان به روستاهای اطراف شهر، به رشد و گسترش فیزیکی این روستاهای حاشیه‌ای شهر منجر شده‌اند (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴). در مجموع، رشد و گسترش بدون برنامه این مناطق حاشیه‌ای و بی‌توجهی به مناطق بافت مرکزی علاوه بر مسئله

^۱ Clarence Perry

ترافیک شهری، باعث شده که اکثر معابر شهر برای پیاده‌روی و تردد مناسب نباشد. از سوی دیگر، توزیع امکانات و خدمات شهری به‌شکلی مطلوب صورت نگرفته و در مجموع فضای اکثر معابر شهر سنندج یک‌پارچه نیست و تنوع بسیار و نامناسب بودن فضا، خوانایی محیطی را کاهش داده است. با توجه به گسترش بدون طرح و برنامه محله‌های شهری، تفاوت کیفیت و قیمت زمین و مسکن در نقاط مختلف شهر، عدم تناسب در دسترسی به خدمات و امکانات شهری در زمان حال و مهاجرت و اسکان دسته‌جمعی خویشاوندی و قومی در گذشته‌های نزدیک، به جدایی‌های اجتماعی و فضایی در شهر سنندج انجامیده است. این موارد، از نامناسب بودن فضاهای کالبدی و اجتماعی در سطح شهر حاکی است؛ به‌طوری‌که این فضاها در کنار یکدیگر تشکیل شبکه ندادند و این موارد می‌تواند در محله‌های شهر سنندج، پیوندهای همسایگی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که وضعیت فضاهای شهری در محله‌های سنندج تا چه حدی با وضعیت پیوندهای محله‌ای رابطه دارد؟

پیشینه نظری

هویت شهر با مفهوم حس مکان رابطه تنگاتنگی دارد؛ به‌طوری‌که هردو را می‌توان یکی پنداشت. در این بین، حس مکان از سه وجه تشکیل شده است: وجه کالبدی که جنبه ساختاری فضا را مد نظر قرار می‌دهد؛ فعالیت که موضوع حضور انسان در فضا و عملکرد است؛ و در نهایت وجه معنایی که به احساسات ادراکی و ذهنیت فرد از فضا توجه دارد (غراب، ۱۳۸۴). اتزیونی^۲ موضوع سوق دادن محیط‌های کالبدی به سوی همساز شدن با اجتماع منسجم محلی را مطرح می‌کند. آنچه او می‌خواهد این است که مکان‌هایی که استفاده می‌کنیم از خانه‌هایمان گرفته تا کل شهر طوری طراحی شوند که پیوند محله‌گرایی را تقویت کنند. پیشنهاد او در مقیاس کوچک آن است که «فضای لازم برای گردهم‌آمدن مردم فراهم شود». بنابراین، فضای عمومی در سطح محله باید بتواند فرصت تعامل اجتماعی را فراهم و بدین ترتیب حس انسجام منسجم محلی را ایجاد کند. او معتقد است این را باید با مقیاس بزرگ‌تر تکمیل کرد، یعنی در جایی که ساخت‌وسازها طوری برنامه‌ریزی و طراحی شوند که ترکیب اجتماعی بتواند «اجتماع منسجم محلی» را پایدار سازد (مدنی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

جین جاکوبز، روزنامه‌نگار و صاحب‌نظر برجسته مسائل شهری، در کتاب مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند. به باور او، آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی آن به‌ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن است. جاکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو

² Etzioni, 1959

تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۵). جاکوبز به مدت بیش از چهل سال یکی از معروف‌ترین طراحان و برنامه‌ریزان شهری بوده است که کوشید تا ارزش‌های انسانی را با فناوری طراحی شهری پیوند دهد و با آثار خود چگونگی تفکر مردم را در باب شهرها عوض کند. با توجه به عنوان کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ/امریکا، او ترجیح می‌داد که از استعاره زیست‌شناختی برای شهر استفاده کند؛ زیرا شهر را شبیه موجود زنده‌ای میدانست که متولد می‌شود، رشد می‌کند، به بلوغ می‌رسد، دچار رکود و انحطاط می‌شود و می‌تواند احیا هم بشود. از نظر او، عناصر اساسی شهر عبارت‌اند از: مردم، خیابان‌ها، پارک‌ها، محله‌ها، دولت و اقتصاد. این عناصر نمی‌توانند بدون یکدیگر زندگی کنند و مانند اندام‌های بدن انسانی هستند که با یکدیگر پیوند و رابطه نزدیکی دارند. همچنین این موضوع را که چرا برخی محله‌های مسکونی در شهر موفق و برخی ناموفق‌اند بررسی کرد و به این نتیجه رسید که عوامل فضایی و اقتصادی دو عامل موفقیت محله‌ها هستند (شارع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۶). به اعتقاد او، پارک‌ها بیشتر اوقات خطرناک‌اند و پیاده‌روهای شلوغ در محله امن‌ترین مکان برای بازی بچه‌هاست. همچنین پیاده‌روهای شهری می‌توانند بین افراد فضای اعتماد و صمیمیت به وجود آورند (فکوهی، ۸۳ نقل از شارع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۸). جاکوبز این ایده را طرح کرد که چگونه می‌توان یک محله را به یک اجتماع تبدیل کرد. به نظر او، امنیت از طریق چشم‌های خیره بر خیابان پدید می‌آید؛ یعنی مراقبت مردم محله از اماکن عمومی خود؛ این چیزی است که معماری نو آن را از بین برده است. وقتی محله کوچک و شلوغ باشد و از خیابان‌های آن استفاده‌های چندمنظوره شود، ساکنان محله در مقابل هم احساس تعلق و انسجام می‌کنند و در نتیجه مردم در حیات خیابان مشارکت خواهند داشت (استوت و لوگاست، نقل از شارع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

کوک نیز به این نتیجه می‌رسد که محله عبارت است از فضایی که بخش مهمی از کار، زندگی و تجارت شهروندان در آن انجام می‌شود. محله سازمان اجتماعی مهمی برای شناخت وسیع افراد و تجهیز اجتماعی آنها برای فعال‌کردن، توسعه یا دفاع از حقوقی است که بیشتر شامل ماده و انرژی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی است؛ بنابراین، محله نهادی است که از طریق آن تعامل مؤثر فردی یا جمعی ایجاد می‌شود (کوک، ۱۹۸۱: ۱۲).



فرضیه مقاله این است که ابعاد کالبدی و اجتماعی محله بر شکل‌گیری و تداوم پیوندهای محله تأثیر دارد.

پیشینه تجربی

همان‌طور که محله مطلوب و موفق وجود دارند، باید اصولاً خلق و ایجاد محله‌های مشابه آنها نیز ممکن باشد. نوعی سنت به‌خوبی رشدیافته از طراحی واحدهای همسایگی وجود دارد. شاخص‌ترین ایده واحد همسایگی کلرینس پرل بود که در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۲۰ ایجاد شد، همچون وسیله‌ای در سازماندهی و توسعه معین (نظام‌مند) محدوده‌های شهری. آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل بود، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی بود (کارمونا، سال ۲۰۰۳: ۱۰۷). همچنین طرح دهکده‌های شهری هزاره در انگلستان و نوشهرگرایی در ایالات متحده از جمله طرح‌هایی هستند که در جهت شکل‌دهی به محله، به منزله فضای خصوصی صمیمی و رای خانه، برنامه‌ریزی شده‌اند. این محیط‌های کوچک شهری و فضاهای عمومی آنها، نمایان‌کننده و شکل‌دهنده ساختار اجتماعی و کالبدی منسجمی هستند که طرفداران شهرگرایی خرد ترویج و تبلیغ کرده‌اند. ولی سؤالی که مطرح شده این است که آیا گرایش مورد نظر موضوعی جدید است یا تکراری؟ مثال‌های بسیاری از مدل‌های آرمان‌شهری تا دهکده‌های صنعتی و از سکونتگاه‌های مهاجران هنرمند تا حومه‌های سبز طی دو قرن گذشته، حاکی از تلاش‌هایی برای ایجاد محله منسجم بوده‌اند. با وجود این ممکن است گفته شود تأکید مجددی که بر محله می‌شود در جهت افزایش آگاهی از محیط انجام می‌گیرد و در پی شکل‌های پایدار شهری است (مدنی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

کری.بی. بورچفیلد (۲۰۰۹) در تحقیقی باعنوان «انسجام، منبع کنترل اجتماعی غیررسمی در محله‌های شهر» معتقد است که کنترل اجتماعی غیررسمی، کلیدی برای فهم میزان جرم در محله است. هنوز دانش اندکی درباره منبع کنترل اجتماعی غیررسمی در محله‌های شهر وجود دارد و درباره نقش تعلق محله‌ای در پرورش کنترل اجتماعی غیررسمی دانشی وجود ندارد. برای پرکردن این شکاف، این تحقیق سه پرسش دارد: (۱) آیا تعلق محله‌ای، به منزله ساختاری چندبعدی، بر همکاری در سطوح محله برای کنترل اجتماعی غیررسمی مؤثر است؟ (۲) آیا تعلق محله‌ای به تبیین سطح پایین‌تر انواع کنترل اجتماعی غیررسمی مشاهده‌شده در ساختار محله‌ها کمک می‌کند؟ (۳) اگر چنین است، کدام ابعاد از تعلق محله‌ای مهم‌تر هستند و چگونه؟ کاربرد اطلاعات چندسطحی در محله‌های شهر شیکاگو نشان می‌دهد که تعلق محله‌ای، ارتباط مثبتی با سطوح کنترل اجتماعی غیررسمی در محله دارد و همچنین ابعاد تعلق محله‌ای،

برخی از ارتباط‌های موجود بین وضعیت ساختار محله و کنترل اجتماعی غیررسمی را روشن می‌کند (بورک‌فیلد، ۲۰۰۹).

فیضی و اسدپور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «فرآیند بازآفرینی منظر میدان‌ها شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان» به شکل‌گیری روابط اجتماعی در محله‌های شهر تهران پرداخته است. آنها از راهبرد کیفی در رویکرد استنتاجی استفاده کرده‌اند و از مطالعه موردی در بررسی ده نمونه از میدان‌های شهر بهره گرفته‌اند. فیضی با توجه به اینکه تعاملات اجتماعی دارای مؤلفه‌های زمانی-مکانی هستند، عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های عینی و ذهنی این نواحی را تحت بررسی قرار داده است. در نتیجه، مجموعه‌ای از راهبردها و راهکارهای اصلاح منظر این میدان‌ها شامل ساماندهی عناصر طبیعی و مبلمان شهری میدان‌ها، ساماندهی جریان پیاده و سواره، ایجاد و تقویت فعالیت‌های انتخابی و در نهایت احیا و تداوم جریان خاطرات میدان‌ها پیشنهاد شده است. ترکیب هم‌زمان سه راهبرد طبیعی، انسان‌ساخت و اجتماعی، مجموعه اصول بازآفرینی هر میدان را متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی، تاریخی و طبیعی آن شکل خواهد داد. نتایج میدان‌نگاری این پژوهش نشان می‌دهد که کاربری‌های اطراف میدان، مبلمان مناسب در طراحی منظر میدان، استفاده نکردن از فضاهای مکث و دنج در ساماندهی میدان‌ها و همچنین سرعت و حجم تردد پیاده و سواره از جمله عوامل کاهش حضور و امکان دسترسی و در نتیجه کاهش تعاملات شهروندان در این میدان‌ها است (فیضی و اسدپور، ۱۳۹۳).

مجید عبداللهی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهش محله‌های شهر شیراز» از ده محله منتخب شیراز ۲۵۰ نمونه را انتخاب کرد و با رویکرد اسنادی - پیمایشی تحت مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در پی تغییرات و شرایط فعلی حاکم بر محله‌های شهری، بعد اجتماعی، به‌ویژه حس تعلق، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی، دچار واگرایی اساسی شده است. در نتیجه این وضعیت، دستیابی به الگوی محله پایدار در چشم‌انداز شهرهای ایران و به‌ویژه کلان‌شهرها با اولویت تقویت ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد، حس تعلق، هم‌بستگی اجتماعی محله‌ای و اجتماع‌محور بودن مدیریت شهری در ایران میسر می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۲).

مظفر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیر کیفیت‌های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی» به مطالعه موردی محله جلفای اصفهان، براساس مشاهدات میدانی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه، مطالعه دقیق پاتوق‌های محله در تصویر ذهنی مردم، ترجیحات و انتظارات آنها از پاتوق و برآورد اولیه کیفیت‌های شهری

پرداخته است. نتایج پژوهش، مبین وجود رابطه مستقیم بین کیفیت‌های اجتماع‌پذیری و پیاده‌مداری با سرمایه اجتماعی و رابطه غیرمستقیم بین تغییرات دو عامل کیفیت نفوذپذیری و سطح سرمایه اجتماعی بوده است. در بافت‌ها با افزایش نفوذپذیری، سطح شاخص سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و برعکس (مظفر و همکاران، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

داده‌هایی که این مقاله براساس آنها تنظیم شده است به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه (به صورت مصاحبه حضوری) گردآوری شده‌اند. واحد تحلیلی، هنگامی که محله‌های شهر سنندج مقایسه می‌شود، واحد اجتماعی (محله) است و هنگامی که روابط متغیرها بررسی می‌شوند واحد تحلیل فرد است.

جمعیت و نمونه

شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر سنندج جمعیت آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران تعداد آنها ۲۴۷۶۲۰ نفر بوده است (سرشماری عمومی، ۱۳۸۵). حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر بوده است که ۳۶۰ نفر در نظر گرفته شدند. با توجه به شاخص‌های تاریخی-فرهنگی و قرارگیری در مرکز شهر، نوسازی و بافت محله، محله‌های شهر سنندج به سه گروه یا خوشه تقسیم‌بندی می‌شوند که با توجه به مشاهدات میدانی محقق از هر خوشه دو محله انتخاب کرده است و با در نظر گرفتن ترکیب سن و جنس ساکنان، متناسب با حجم نمونه مقتضی از آن محله به شکل تصادفی نظام‌مند از واحدهای مسکونی پاسخ‌گویان انتخاب شده‌اند.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

پیوند محله‌ای: پیوند محله‌ای ناظر بر فرایندهای اجتماعی، یعنی ارتباطات اجتماعی و احساس انسجام و یگانگی با اجتماع، است (بور، ۲۰۰۷: ۷). ابعاد پیوند محله‌ای عبارت‌اند از احساس دلبستگی و روابط محله‌ای (سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹). بنابراین در بحث از پیوند محله‌ای دو جنبه و بعد مطرح می‌شود. یکی به روابط و ویژگی‌های ارتباطی با همسایگان و دیگری به احساس رضایت، تعلق و وابستگی به محله برمی‌گردد. منظور از روابط همسایگی شبکه‌های هم‌ترازی هستند که عموماً در یک جامعه مدنی تجسم یافته‌اند و هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها برای مردم و در مقیاس وسیع‌تر برای جامعه پیامدهای مهمی دارد که منافع خصوصی و عمومی را شامل می‌شود. خصوصاً شبکه‌هایی که اعضای آن را همسایگان تشکیل می‌دهند (پورموسوی، ۱۳۸۱: ۱۶۶). به‌منظور سنجش مفهوم پیوند محله‌ای، دو بعد احساس

تعلق و وابستگی به محله و کیفیت روابط با همسایگان به وسیله سنجش‌های متناسب تحت سنجش و مطالعه قرار گرفته است.

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری

براساس ترکیب پژوهش و عقاید درباب کاربرد و طراحی فضاهای عمومی کارات آل (۱۹۹۲) معتقد است علاوه بر معنی‌دار بودن (امکان برقراری ارتباط قوی بین مکان و مردم، زندگی شخصی آنها و دنیای بزرگ‌تر) و دموکراتیک بودن فضاهای عمومی، باید به مفهوم طراحی و مدیریت آن جهت جواب‌گویی به نیازهای کاربران، توجه داشت (کارمونا، ۲۰۰۳: ۱۵۴). بنابراین، برای سنجش کیفیت فضاهای شهری لازم است دو بعد کالبدی و اجتماعی فضا را توأماً در نظر بگیریم و متغیرهایی برای هر کدام از ابعاد تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای اولیه مردم باشند. براین اساس، متغیر مطلوب بودن بافت محله برای سنجش کیفیت کالبدی فضای محله و متغیرهای وقوع مسائل اجتماعی، احساس امنیت و آرامش برای سنجش کیفیت اجتماعی فضای محله به شرح زیر تعریف شدند:

مطلوب بودن کالبد محله: کالبد محله یکی از عناصر و عواملی است که هویت محله براساس آن تعریف می‌شود و بستر کنش و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کند. برای سنجش این بعد کالبدی محله‌ها به عواملی که باعث به وجود آمدن وضعیت نامطلوب و بی‌نظمی در محله می‌شوند به منزله معرف‌هایی برای سنجش مطلوب بودن بافت محله پرداخته شده است.

مسائل اجتماعی محله: در این پژوهش، منظور از مسائل اجتماعی محله، وقوع جرم و بزه‌کاری‌ها و رفتارهای نابهنجاری است که در سطح محله رخ می‌دهند و علاوه بر نقض حقوق دیگر شهروندان، به کاهش کیفیت بعد اجتماعی فضای محله منجر می‌شوند.

احساس امنیت و آرامش در محله: امنیت به معنای ایمن شدن، درامان بودن و بی‌بیمی، آرامش و آسودگی است. احساس امنیت نیز عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان در مقابل تأثیر رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدها) در حال و آینده در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یک‌پارچگی و امنیت سرزمین (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸). همچنین امنیت به معنای فقدان هراس به‌مخاطره‌افتادن ارزش‌های انسانی هدف و نبود هراس و بیم درباب حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، و خاطر جمع بودن است. در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که شهروندان با حضور در اجتماع، در محیط محله، در مکان‌های عمومی، خیابان و غیره تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و احساس ترس

و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت اجتماعی هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به‌ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود.

یافته‌های توصیفی

خصوصیات جمعیت‌شناختی: نمونه مطالعه شامل ۳۶۰ نفر بود که از این تعداد ۵۰/۶ درصد مرد و ۴۹/۴ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی، ۳۸/۵ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۴/۶ درصد ۲۵ تا ۳۴ سال، ۱۲ درصد ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۲/۳ درصد ۴۵ تا ۵۴ سال و ۱۲/۳ درصد بین ۵۵ تا ۷۰ سال داشتند. از نظر میزان تحصیلات ۵ درصد سواد خواندن و نوشتن نداشتند، ۱۴/۴ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۵/۶ درصد تحصیلات دبیرستان و مدرک دیپلم و ۴۳/۹ درصد جمعیت نیز تحصیلات دانشگاهی داشتند. از نظر مدت سکونت در محله نیز ۱۰ درصد جمعیت ۱ سال و کمتر، ۲۳ درصد جمعیت بین ۲ تا ۵ سال، ۲۲ درصد جمعیت بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۲ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۳ درصد جمعیت بیشتر از ۲۰ سال سابقه سکونت در محله فعلی خود را داشتند.

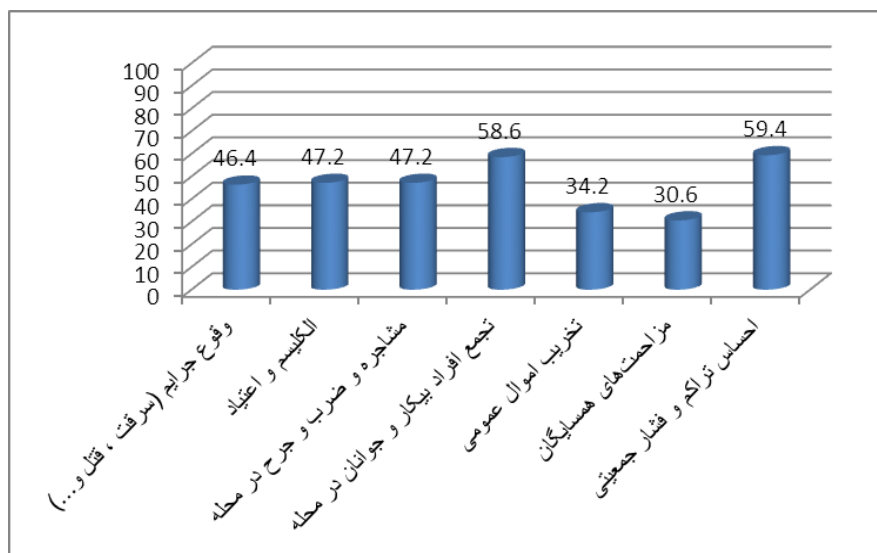
ابعاد کالبدی و اجتماعی محله: همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، ۴۳ درصد شهروندان شهر سنندج، میزان وقوع مسائل اجتماعی در محله را در حد خیلی کم و کم می‌دانند. از نظر ۳۹ درصد شهروندان تا حدودی این مسائل وجود دارد و ۱۹ درصد هم می‌گویند که مسائل اجتماعی در سطح محله‌ها در حد زیادی قابل مشاهده است که میانگین ۴۵ درصد وجود مسائل اجتماعی در شهر سنندج از نظر شهروندان هم این مطلب را تأیید می‌کند که مسائل اجتماعی در سطح محله‌های شهر سنندج تا حدودی وجود دارد. در ادامه، با بررسی سنجه‌های مسائل اجتماعی در سطح محله‌های شهر از دیدگاه پاسخگویان مشخص شد که احساس تراکم و فشار جمعیتی و تجمع افراد بیکار و جوانان بیشترین میزان وقوع و مشاهده را به خود اختصاص می‌دهند و تخریب اموال عمومی و مزاحمت‌های همسایگی به نسبت دیگر سنجه‌ها کمترین میزان وقوع و مشاهده را دارند.

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵

جدول ۱. توزیع فراوانی نسبی و مطلق سنج‌های شاخص وقوع و مشاهده مسائل اجتماعی

در محله‌های شهر سنندج از دیدگاه پاسخگویان

متغیر	سنج‌ها	فراوانی	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۱۰۰
احساس ترانم و فشار جمعیتی	فراوانی نسبی	۱۴/۴	۲۰	۲۶/۷	۲۶/۱	۱۲/۸	۵۹/۴	
	فراوانی مطلق	۵۲	۷۲	۹۶	۹۴	۴۶		
مزاحمت‌های همسایگان	فراوانی نسبی	۵۳/۹	۲۱/۷	۱۵/۶	۷/۸	۱/۱	۳۰/۶	
	فراوانی مطلق	۱۹۴	۷۸	۵۶	۲۸	۴		
تخریب اموال عمومی	فراوانی نسبی	۴۵	۲۸/۹	۱۷/۲	۷/۲	۱/۷	۳۴/۲	
	فراوانی مطلق	۱۶۲	۱۰۴	۶۲	۲۶	۶		
تجمع افراد بیکار و جوانان در محله	فراوانی نسبی	۲۱/۱	۱۵	۲۱/۷	۲۵/۶	۱۶/۷	۵۸/۶	
	فراوانی مطلق	۷۶	۵۴	۷۸	۹۲	۶۰		
مشاجره و ضرب و جرح در محله	فراوانی نسبی	۴۱/۱	۲۷/۲	۲۳/۳	۳/۳	۵	۴۷/۲	
	فراوانی مطلق	۱۴۸	۹۸	۸۴	۱۲	۱۸		
الکل‌یسم و اعتیاد	فراوانی نسبی	۳۲/۸	۱۹/۴	۲۳/۹	۱۲/۸	۱۱/۱	۴۷/۲	
	فراوانی مطلق	۱۱۸	۷۰	۸۶	۴۶	۴۰		
وقوع جرایم (سرقت، قتل و...)	فراوانی نسبی	۳۲/۸	۲۲/۲	۲۵	۱۲/۸	۷/۲	۴۶/۴	
	فراوانی مطلق	۱۱۸	۸۰	۹۰	۴۶	۲۶		
شاخص وقوع و مشاهده مسائل اجتماعی	فراوانی نسبی	۱۲/۸	۲۹/۴	۳۸/۹	۱۶/۱	۲/۸	۴۵	
	فراوانی مطلق	۴۶	۱۰۶	۱۴۰	۵۸	۱۰		

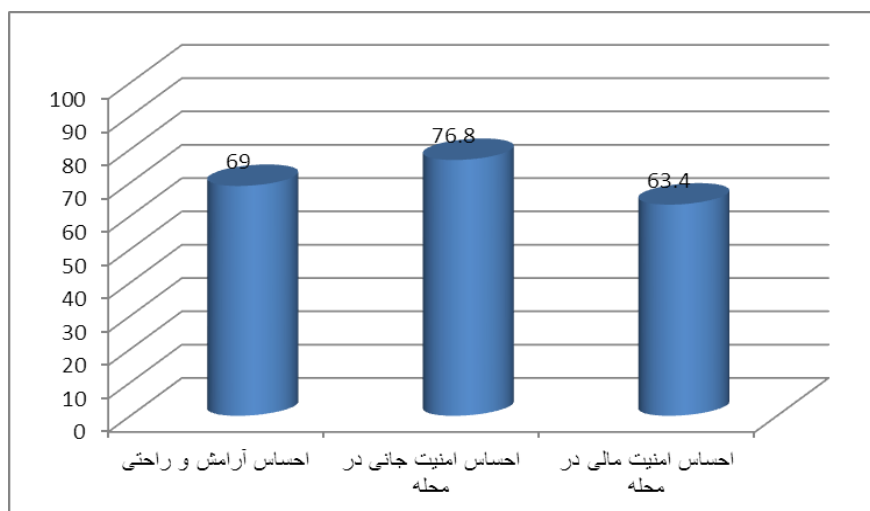


نمودار ۱. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش مسائل اجتماعی محله‌های سنندج از دیدگاه پاسخگویان

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنندج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

احساس امنیت و آرامش در محله: یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تنها ۹ درصد شهروندان در محله احساس امنیت کمی دارند و حدود ۷۵ درصد شهروندان، احساس امنیتشان در محله بالاست. با توجه به میانگین ۷۰ از ۱۰۰ می‌توان گفت که احساس امنیت شهروندان سنندجی در حد متوسط به بالاست. در ادامه، با بررسی گویه‌های سنجش احساس امنیت، مشخص شد که احساس امنیت جانی شهروندان به نسبت امنیت مالی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. جدول ۲. توزیع فراوانی نسبی و مطلق سنجش‌های شاخص احساس امنیت و آرامش در محله‌های شهر سنندج از دیدگاه پاسخگویان

مفهوم	سنجه	فراوانی	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
احساس امنیت	احساس امنیت مالی در محله	فراوانی نسبی	۱۲/۲	۱۰	۳۰/۶	۴۰	۷/۲	۶۳/۴
		فراوانی مطلق	۴۴	۳۶	۱۱۰	۱۴۴	۲۶	
و آرامش در محله	احساس امنیت جانی در محله	فراوانی نسبی	۱/۷	۳/۹	۲۳/۹	۴۹/۴	۲۱/۱	۷۶/۸
		فراوانی مطلق	۶	۱۴	۸۶	۱۷۸	۷۶	
در محله	احساس آرامش و راحتی در محله	فراوانی نسبی	۳/۳	۸/۹	۳۶/۱	۴۲/۲	۹/۴	۶۹
		فراوانی مطلق	۱۲	۳۲	۱۳۰	۱۵۲	۳۴	
	شاخص احساس امنیت و آرامش در محله	فراوانی نسبی	۱/۱	۷/۸	۲۴/۴	۴۸/۹	۱۷/۸	۷۰
		فراوانی مطلق	۴	۲۸	۸۸	۱۷۶	۶۴	



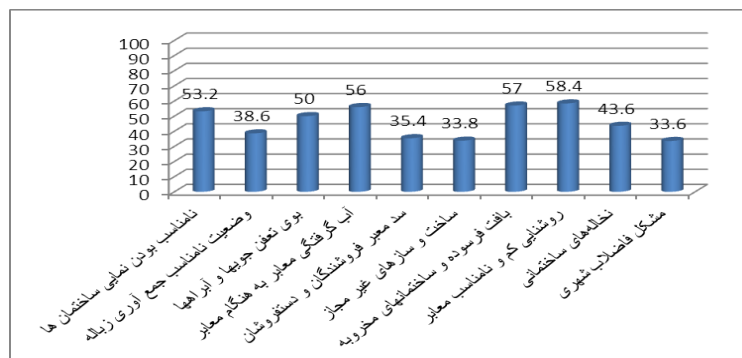
نمودار ۲. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش احساس امنیت و آرامش در محله‌های سنندج از دیدگاه پاسخگویان

مطلوب‌بودن بافت محله: همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ۴۶ درصد شهروندان سنندجی معتقدند که کیفیت کالبدی محله نامطلوب است و میانگین ۴۶ از ۱۰۰ در شاخص کیفیت بافت محله نشان‌دهنده کیفیت نامطلوب بافت کالبدی محله از دیدگاه شهروندان سنندجی است. در ادامه، با بررسی سنجش‌ها مشخص شد که روشنایی کم معیار،

وجود بافت‌های فرسوده، نامناسب بودن نمای ساختمان‌ها و آب‌گرفتگی معابر از جمله مهم‌ترین موارد نامطلوب در سطح محله‌های شهر سنندج از دیدگاه پاسخگویان هستند.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسبی و مطلق سنج‌های شاخص نامطلوبی بافت محله‌های شهر سنندج از دیدگاه پاسخگویان

متغیر	سنج‌ها	فراوانی	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	مشکل فاضلاب شهری	فراوانی نسبی	۵۳/۶	۱۳/۴	۱۶/۸	۱۲/۸	۲/۴	۳۳/۶
	فراوانی مطلق	۱۹۲	۴۸	۶۰	۴۶	۱۲		
	نخاله‌های ساختمانی	فراوانی نسبی	۴۰/۸	۱۴/۵	۱۷/۳	۲۱/۸	۵/۶	۴۳/۶
	فراوانی مطلق	۱۴۶	۵۲	۶۲	۷۸	۲۰		
	روشنایی کم و نامناسب معابر	فراوانی نسبی	۱۸/۴	۱۷/۳	۲۷/۹	۱۶/۸	۱۹/۶	۵۸/۴
	فراوانی مطلق	۶۶	۶۲	۱۰۰	۶۰	۷۰		
	بافت فرسوده و ساختمان‌های مخروبه	فراوانی نسبی	۲۱/۸	۱۵/۶	۲۶/۸	۲۰/۱	۱۵/۶	۵۷
	فراوانی مطلق	۷۸	۵۶	۹۶	۷۲	۵۶		
نامطلوبی بافت محله	ساخت و سازه‌های غیرمجاز	فراوانی نسبی	۵۶/۴	۱۵/۱	۱۱/۲	۱۱/۷	۵	۳۳/۸
	فراوانی مطلق	۲۰۲	۵۴	۴۰	۴۲	۱۸		
	سد معبر فروشندگان و دستفروشان	فراوانی نسبی	۵۲/۵	۱۰/۱	۱۶/۲	۱۶/۲	۵	۳۵/۴
	فراوانی مطلق	۱۸۸	۳۶	۵۸	۵۸	۱۸		
	آب‌گرفتگی معابر به هنگام بارندگی	فراوانی نسبی	۱۷/۹	۱۷/۳	۳۳	۲۳/۵	۸/۴	۵۶
	فراوانی مطلق	۶۴	۶۲	۱۱۸	۸۴	۳۰		
	بوی تعفن جوی‌ها و آبراه‌ها	فراوانی نسبی	۲۳/۵	۲۹/۶	۲۴	۱۱/۷	۱۱/۲	۵۰
	فراوانی مطلق	۸۴	۱۰۶	۸۶	۴۲	۴۰		
	وضعیت نامناسب جمع‌آوری زباله	فراوانی نسبی	۴۴/۷	۲۱/۲	۱۶/۸	۸/۹	۸/۴	۳۸/۶
	فراوانی مطلق	۱۶۰	۷۶	۶۰	۳۲	۲۰		
	نامناسب بودن نمای ساختمان‌ها	فراوانی نسبی	۲۴	۱۶/۲	۳۴/۱	۱۵/۶	۱۰/۱	۵۳/۲
	فراوانی مطلق	۸۶	۵۸	۱۲۲	۵۶	۳۶		
	شاخص نامطلوبی بافت محله	فراوانی نسبی	۱۴/۴	۳۱/۱	۲۷/۲	۱۳/۹	۱۲/۸	۴۶
	فراوانی مطلق	۵۲	۱۱۲	۹۸	۵۰	۴۶		



نمودار ۳. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش نامطلوبی بافت محله‌های سنندج از دیدگاه پاسخگویان

متغیر وابسته

پیوند محله‌ای: نتایج جدول ۴ وضعیت پیوند محله‌ای شهروندان را با سنج‌های صمیمیت، اعتماد، همکاری، دریافت حمایت و احساس تعلق به محله نشان می‌دهد. از نظر صمیمیت روابط شهروندان در شبکه همسایگی، ۳۱ درصد اظهار کردند که میزان صمیمیتشان با همسایگان زیاد و خیلی زیاد است. ۴۴ درصد صمیمیتشان را در حد متوسط و ۲۶ درصد صمیمیتشان را در حد کم ارزیابی کردند. همچنین از نظر میزان اعتماد شهروندان در شبکه همسایگی، ۳۲ درصد میزان اعتمادشان به همسایگان را در حد زیاد و خیلی زیاد، ۴۰ درصد در حد متوسط و ۲۶ درصد کم ارزیابی کردند. از نظر میزان همکاری شهروندان، فقط ۱۳ درصد از پاسخگویان میزان همکاری‌شان با همسایگان را در حد زیاد و خیلی زیاد می‌دانند. ۲۶ درصد آن را در حد متوسط و ۶۱ درصد کم ارزیابی کردند. از نظر دریافت حمایت شهروندان در شبکه همسایگی، صرفاً ۷ درصد اظهار کردند که میزان دریافت حمایت از همسایگانشان در حد زیاد و خیلی زیاد است. ۲۳ درصد آن را در حد متوسط و ۷۰ درصد در حد کم ارزیابی کردند. یافته‌های جدول ۴ حاکی از آن است که ۱۵ درصد شهروندان احساس تعلق کم، ۲۵ درصد متوسط و بیش از ۶۰ درصد شهروندان احساس تعلق به بالایی به محله‌شان دارند که با توجه به میانگین ۶۸ از ۱۰۰ در زمینه احساس تعلق به محله در شهروندان می‌توان گفت میزان احساس تعلق به محله شهروندان در سنندج در حد بالایی قرار دارد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی و مطلق گویه‌های شبکه‌های اجتماعی شهروندان سنندجی

انحراف معیار	میانگین	کاملاً	زیاد	تا حدی	کم	اصلاً	فراوانی	سنجه	ابعاد	مفهوم
۳/۰۴	۴۱	۲۰	۸۸	۱۵۶	۷۶	۱۸	مطلق	صمیمیت	رابطه با همسایگان	پیوند محله‌ای
		۶	۲۵	۴۴	۲۱	۵	نسبی			
		۴۲	۷۸	۱۴۴	۸۴	۱۰	مطلق	اعتماد		
		۱۲	۲۲	۴۰	۲۳	۳	نسبی			
		۱۲	۳۶	۹۲	۱۳۲	۸۶	مطلق	همکاری		
		۳	۱۰	۲۶	۳۷	۲۴	نسبی			
		۴	۲۰	۸۴	۱۴۰	۱۱۰	مطلق	حمایت		
		۱	۶	۲۳	۳۹	۳۱	نسبی			
۱/۷۰	۶۸	۱۶	۳۳	۳۵	۱۲/۲	۳	مطلق	احساس تعلق به محله		
		۵۸	۱۱۸	۱۲۶	۴۴	۱۴	نسبی			

یافته‌های تبیینی

روابط هم‌بستگی بین ابعاد کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری با پیوندهای محله‌ای

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که برای رابطه دو متغیر مسائل اجتماعی و پیوند محله‌ای، ضریب پیرسون $-0/187$ و سطح معناداری صفر است؛ یعنی هم‌بستگی متوسط، منفی و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد و با افزایش مسائل اجتماعی پیوند محله‌ای تضعیف می‌شود. بین احساس امنیت با پیوند محله‌ای با ضریب پیرسون $0/353$ و سطح معناداری صفر هم‌بستگی معنادار، قوی و مثبتی وجود دارد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که برای دو متغیر کیفیت کالبدی بافت محله و پیوند محله‌ای با ضریب پیرسون $0/214$ و سطح معناداری صفر رابطه این دو متغیر مثبت، به نسبت قوی و معنادار است.

جدول ۵. میزان همبستگی متغیرهای کالبدی و اجتماعی پژوهش با شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی شهروندان

شاخصها	مسائل اجتماعی	احساس امنیت	کیفیت کالبدی
سطح معناداری	$0/000$	$0/000$	$0/000$
تعداد	۳۵۸	۳۵۸	۳۵۶

تحلیل معادلات ساختاری

تحلیل مسیر بسط مدل‌های رگرسیونی است و در مقام مقایسه، از مدل‌های رگرسیونی به مفهوم علیت نزدیک‌تر است، درحالی‌که در مدل‌های رگرسیونی کلیه متغیرهای مستقل هم‌زمان و هم‌عرض در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌های مسیر در واقع نوعی توالی یا تقدم و تأخر بین متغیرها قائل هستند، و درحالی‌که مدل‌های رگرسیونی به نوعی در برابر آفت‌هایی مثل هم‌خطی آسیب‌پذیرند. مدل‌های مسیر آسیب‌پذیری کمتری دارند. مدل‌های مسیر به نوعی به دنیای اجتماعی نزدیک‌ترند. در مدل‌های مسیر مدلی انتخاب می‌شود که داده‌ها با نظریه انطباق بیشتری داشته باشند. پس مدل باید هم به‌لحاظ آماری و هم به‌لحاظ مبانی نظری معقول انتخاب شود.

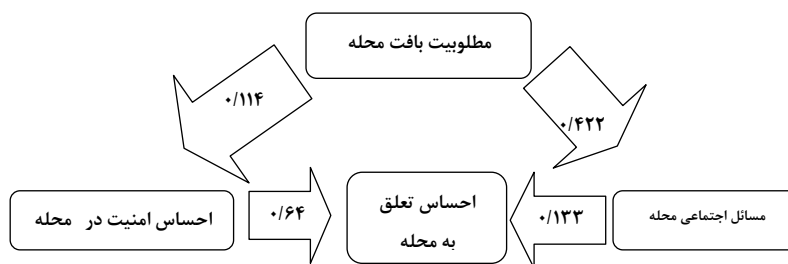
آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر احساس تعلق به محله

جدول ۶. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر احساس تعلق به محله

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
مطلوب بودن بافت محله	-	$0/13$	$0/13$
مسائل اجتماعی	$0/133$	-	$0/133$
احساس امنیت	$0/64$	-	$0/64$

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سندج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

جدول ۶ نشان‌دهنده تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول ۶ و اساس استناد به آثار مستقیم متغیرها، متغیر میزان احساس امنیت (۰/۶۴) قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بین احساس تعلق به محله است. بعد از آن، متغیر مسائل اجتماعی (۰/۱۳۳) بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری احساس تعلق به محله دارد.



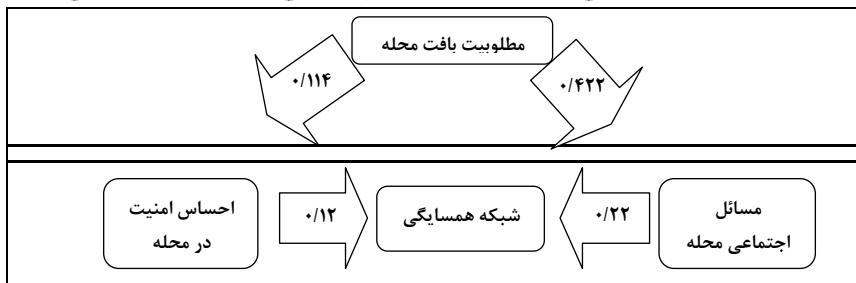
شکل ۲. تحلیل مسیر احساس تعلق شهروندان به محله (یکی از مؤلفه‌های پیوند محله‌ای)

آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر شبکه همسایگی

جدول ۷. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر شبکه همسایگی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
مطلوب بودن بافت محله	-	۰/۱۱	۰/۱۱
مسائل اجتماعی	-۰/۲۲	-	-۰/۲۲
احساس امنیت	۰/۶۴	-	۰/۶۴

جدول ۷ نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول ۷ و اساس استناد به آثار مستقیم متغیرها، متغیر میزان احساس امنیت (۰/۶۴) قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بین شبکه همسایگی است. بعد از آن، متغیر مسائل اجتماعی (-۰/۲۲) بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری شبکه همسایگی داشت. براساس استناد به آثار غیرمستقیم، متغیر مطلوب بودن بافت محله با تأثیر بر متغیرهای احساس امنیت و مسائل اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۱ پیش‌بینی‌کننده شبکه همسایگی است.



شکل ۳. مدل تحلیل مسیر شبکه همسایگی (یکی از مؤلفه‌های پیوند محله‌ای)

بحث و نتیجه گیری

این مقاله به دنبال آزمون رابطه ابعاد کالبدی و اجتماعی فضای محله با پیوندهای محله‌ای شهروندان سنندجی بود. به همین دلیل، ۳۶۰ نفر از ساکنان شش محله سنندج با هم مقایسه شدند. یافته‌ها با انتظارات نظری هماهنگ است و همان‌طور که در بحث نظری دیدگاه اتریونی درباب سوق دادن محیط‌های کالبدی به سوی هم‌سازشدن با اجتماع مطرح شد، نتایج مقاله حاضر نیز مؤید این مطلب است که هویت شهر با مفهوم حس مکان رابطه تنگاتنگی دارد؛ به طوری که هر دو را می‌توان یکی پنداشت. در واقع فضاهای عمومی پاسخگوی نیازهای کاربران می‌تواند در شکل‌گیری روابط همسایگی، تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها، برای مردم و در مقیاس وسیع‌تر برای جامعه دارای پیامدهای مهمی باشد. تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که کیفیت بافت محله با تأثیرگذاری بر احساس امنیت و وقوع مسائل اجتماعی در محله به صورت غیرمستقیم بر ابعاد پیوندهای محله‌ای تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، فضای عمومی محله توانسته با کاهش زمینه وقوع مسائل اجتماعی در سطح محله و افزایش احساس امنیت در بین ساکنان، ضمن افزایش احساس تعلق در ساکنان، فرصت تعامل اجتماعی را در میان همسایگان فراهم و پیوندهای اجتماعی محلی را ایجاد و تقویت کند. وجود روابط معنادار بین کیفیت بافت محله، با احساس امنیت و وقوع مسائل اجتماعی در محله می‌تواند مؤید نظریات جاکوبز درباره نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی بین ساکنان محله‌های شهر سنندج باشد.

همچنین این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین خارجی (بورچفیلد، ۲۰۰۹) و نیز تحقیقات داخلی که تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند (فیضی، ۱۳۹۳ و عبداللهی، ۱۳۹۲) هماهنگ است و مؤیدی قوی برای تبیین پیوندهای محله‌ای از طریق متغیرهای کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری است.

دلالت‌های کاربردی این تحقیق معطوف به توجه بیشتر مدیران شهری و انتظامی به امر سازمان‌یافتگی کالبدی و اجتماعی در محله است. بازسازی بافت‌های فرسوده، تأمین روشنایی معابر، به‌سازی نماهای ساختمان و معابر عمومی، تقویت خدمات عمومی و بهبود فضاهای سبز، نشیمن‌گاه‌ها، احداث مراکز تفریحی برای شهروندان و به‌خصوص قشر جوان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش وقوع مسائل اجتماعی و تقویت احساس امنیت و به تبع آن، تقویت پیوندهای محله‌ای شهروندان داشته باشد.

منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) *سیر اندیشه در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت*، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- پورموسوی، سید فتح الهه (۱۳۸۱) «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۶: ۱۵۸-۱۹۹.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۴) چهارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷) *تاریخ تحلیلی علم ارتباطات*، ترجمه غلامرضا آذری، تهران: فرهنگ معاصر.
- ریویر، کلود (۱۳۸۴) *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ پنجم، تهران: نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) *سالنامه آماری استان کردستان*، تهران: مرکز آمار ایران.
- سراج‌زاده، سیدحسین و اشرف گیلانی (۱۳۸۹) «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۴: ۲۲۳-۲۴۴.
- سروستانی، رحمت الهه (۱۳۸۶) *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: سمت.
- سلیمی، علی (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی شهری*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- عبداللهی مجید (۱۳۹۲) «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی، مورد مطالعه محله‌های شهر شیراز»، *مجله مدیریت شهری*، شماره ۲۲: ۱۶۳-۱۸۴.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۸۴) *برنامه‌ریزی فرهنگی و شهر*، پروژه تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- فرهودی، رحمت‌الله و اکبر محمدی (۱۳۸۴) «روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی و تنگناهای شهرسازی در سنندج»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۳، ۸۷-۹۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ سوم، تهران: آگه.
- فیضی، محسن و علی اسدی‌پور (۱۳۹۳) «فرآیند بازآفرینی منظر میدانی شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان»، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره ۷، ۳-۱۴.
- کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹) «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، *مجله هویت شهر*، شماره ۶، ۹۵-۱۰۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

- لینچ، کوین (۱۳۸۳) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مظفر، فرهنگ، محمد مسعود و ساجد راستین (۱۳۹۱) «ارزیابی تأثیرات کیفیت‌های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله جلفای اصفهان)»، دوفصلنامه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی، سال دوم، شماره ۴: ۲۹-۴۶. ممتاز، فریده (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴) شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Burchfield, Keri B. (2009) "Attachment as a Source of Informal Social Control in Urban Neighborhoods", *Journal of Criminal Justice*, 37:45-54.
- Car, Stephen, MARK Francis, Leanne Rivlin & Andrew stone (1992) *Public Space*, Massachusetts: Cambridge University Press.
- Carmona, Matthew, Tim Heath, Taner Oc and Steve Tiesdell (2003) *Public Places, Urban Spaces*, Oxford: Architectural Press.
- Cook, F. L., W. G. Skogan, T. D. Cook, & G. E. Antunes (1981) *Criminal Victimization of the Elderly*. New York: Oxford University Press.
- Dassopoulos, Andrea and Shannon M. Monnet (2011) "Do Perceptions of Social Cohesion, Social Support, and Social Control Mediate the Effects of Local Community Participation on Neighborhood Satisfaction?" *Environment and Behavior*, 43: 546-565.
- Lane, J., & Meeker, J. W. (2005) "Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Latinos: A Replication and Extension of Prior Research". *Journal of Criminal Justice*, 33, 627-641.
- Legates, R. T. and F. Stout (2000) *The City Reader*, New York: Routledge.